



سجاد پور - دزد معتادی که پر اید مهمان را از مقابل منزل میزبان وی به سرقت برده بود، نیم ساعت بعد از سرقت به چنگ نیروهای انتظامی افتاد. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ساعت ۸ صبح پنجم اردیبهشت، زنگ تلفن پلیس ۱۱۰ به صدا درآمد و مردی هراسان و نگران از سرقت پر ایدش خبر داد. او به نیروهای گشت انتظامی که برای بررسی ماجرای سرقت به محل حادثه اعزام شده بودند، گفت: به خاطر بیماری و نداشتن امکانات پزشکی کافی در

ترت حیدریه به مشهد آمدم تا برای درمان نزد پزشک متخصص بروم اما منزل میزبانم پارکینگ نداشت و من به ناچار خودروی پر ایدم را درون کوچه پارک کردم اما صبح وقتی از خانه بیرون آمدم از خودروام خبری نبود! بنا بر گزارش روزنامه خراسان در پی اظهارات مال باخته، بلافاصله گروه دیگری از نیروهای گشت انتظامی نیز با دستور سرهنگ روح ...۱ شجاعی (رئیس کلانتری خواجه ربیع) عازم منطقه اپتارگران شدند و طرح مهار را در خیابان های اطراف به اجرا

با تایید حکم قصاص نفس در دیوان عالی کشور مشخص شد

معتاد کشی ساقی محل!



موجب درگیری لفظی بین مرد معتاد و ساقی محل شده بود. به همین خاطر هم یک اسکناس هزار تومانی به او دادم تا مواد مخدر را به مرد معتاد بدهد! در حالی که پزشکی قانونی نیز علت مرگ «حسین-س» را خونریزی مغزی بر اثر ضربه اصابت جسم سخت تشخیص داده بود، متهم (ع-ز) (ساقی محل) هر گونه درگیری خود با مرد معتاد را انکار کرد و مدعی شد که او فقط ظهر روز حادثه برای خرید تریاک به منزل او مراجعه کرده است! وی در ادامه اعترافات خود مدعی شد شب حادثه برای خرید میوه و دیگر مایحتاج زندگی در بیرون از منزل بوده و ساعت ۲۳ به منزلش رفته است! به همین خاطر بررسی های بیشتر نشان داد که ماجرای رها شدن پیکر خون آلود ساعت ۲۳:۴۵ به پلیس گزارش شده است.

باتوجه به تحقیقات تکمیلی در دادسرای عمومی و انقلاب سرخس، این پرونده جنایی با کیفرخواست صادر شده به شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد و توسط قضات با تجربه مورد رسیدگی قرار گرفت. در جلسات محاکمه که به ریاست قاضی هادی دنیا دیده و مستشاری قاضی غلامرضا مصطفوی در مشهد برگزار شد «گدا و پسرش» پای میز عدالت نشستند تا به همراه وکلای خود از اتهام قتل عمدی دفاع کنند.

بر اساس گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، باتوجه به حساسیت این پرونده پیچیده جنایی که به کلافی سر در گم

می ماند، واکاوی تخصصی از سطر به سطر اوراق آن آغاز شد. در نهایت قضات دادگاه سرخس اصلی آن را در حالی به دست گرفتند که «ساقی محل» در برابر دلایل انکار ناپذیر و استنادات دقیق دادگاه، حیرت زده به کلای نگریست تا شاید راه چاره ای بیابند! در همین حال قاضی «دنیا دیده» به محتویات پرونده و اظهارات شاهدان و مطلعان اشاره کرد که یکی از آن ها گفته بود: «وقتی ماجرای کتک کاری وضرب و جرح «حسین-س» را شنیدم بلافاصله شبانه به منزل «گدا» (ع-ز) رفتم که خودروی او مقابل منزلش پارک بود. زمانی که دستم را روی کاپوت خودرو گذاشتم هنوز داغ بود که نشان می داد او دقایقی قبل از خودرو استفاده کرده است! در همین حال یکی از شهود در باره ماجرای شب حادثه به قضات شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی گفت: آن شب من مشغول لحاف دوزی بودم که فردی بی امن تماس گرفت و از رها شدن پیکر «حسین-س» (یکی از بستگانم) خبر داد. وقتی به محل رسیدم آمبولانس اورژانس و پلیس ۱۱۰ هم آمده بودند. از «حسین» مجروح پرسیدم چه کسی شماراز؟ او گفت: «گدا» او فرزندش مرا جای دیگری زدن دو خودرو به این جا آوردند! من هم بلافاصله با شنیدن نام «گدا» به در منزل او رفتم که دیدم جلوی در منزلش خیس است یعنی آب ریخته بودند. وقتی زنگ منزل را به صدا در آوردم سپس شش گفت: پدرم خانه نیست! ولی ناگهان پدر او (ع-ز) از در پارکینگ

سید خلیل سجاد پور - حکم قصاص نفس ساقی محل که معتاد بی پول را با ضربه چماق به قتل رسانده بود در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و بدین ترتیب خرده فروش مواد مخدر در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ماجرای تلخ نیمه شب پانزدهم اردیبهشت ۱۳۹۷ هنگامی در شهر مرزی سرخس آغاز شد که سرنشینان یک خودرو، پیکر نیمه جان و خون آلود مرد معتادی را شبانه کنار در منزلی داخل یک کوچه انداختند و از محل گریختند.

لحظاتی بعد اهالی منزل که صدای برخورد شیئی با در حیاط را شنیده بودند، سر اسیمه از خانه بیرون آمدند و با پیکر فردی به نام «حسین-س» روبه رو شدند که از سرو گوشوی خون می ریخت. آن ها با دیدن وضعیت وخیم مرد معتاد بلافاصله به وی آب نوشاندند و با امدادگران اورژانس تماس گرفتند. زمان به کندی سپری می شد و بستگان و اطرافیان مرد مجروح دقایق سختی را با اضطراب و نگرانی می گذراندند تا این که خودروی اورژانس و نیروهای کلانتری از راه رسیدند و پیکر خون آلود را در حالی به بیمارستان لقمان حکیم انتقال دادند که مرد مجروح در پاسخ به این سوال اطرافیانش که چه کسی تورا به این روز انداخت؟ نام مرد معروف به «گدا و پسرش» را بر زبان راند و گفت: آن ها مرا با چوب زدند!

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: در حالی که تحقیقات گسترده نیروهای انتظامی با دستور ات قضایی برای ریشه یابی این ماجرای تلخ و دستگیری مرد معروف به «گدا» که نام شناسنامه ای دیگری داشت، آغاز شده بود، اقدامات درمانی به دلیل کمبود برخی امکانات تخصصی در سرخس به نتیجه نرسید و پیکر «حسین-س» به بیمارستانی در مشهد منتقل شد اما او بعد از حدود یک ماه که در کما به سر می برد، چشمانش را گشود و برای مراقبت های ویژه به منزل یکی از بستگانش در مشهد رفت. با وجود این مرد معتاد چند روز بعد جان سپرد و بدین ترتیب پرونده مذکور رنگ جنایت گرفت.

بنا بر گزارش روزنامه خراسان، کنکاش های پلیس سرخس در این باره با دستگیری «گدا» در حالی وارد مرحله جدیدی شد که تحقیقات نشان داد او از توزیع کنندگان مواد مخدر است و مرد معتاد نیز در حالی برای خرید مواد مخدر نزد او رفته بود که فقط مشتی پول خرد (سکه) در دست داشت. یکی از مطلعان در این باره به پلیس گفت: من صدای ریخته شدن سکه ها روی زمین را شنیدم که

گوشی قاپ های طماع به چنگ پلیس افتادند

سجادپور - دو گوشی قاپ جوان که پس از ارتکاب دو سرقت قصد داشتند، سومین گوشی را در منطقه تجاری مشهد بر بایند، در حالی به چنگ پلیس افتادند که طمع سرقت بیشتر داشتند.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماموران گشت کلانتری سپاد مشهد، در اجرای طرح امنیت محله محور، به سرنشینان یک دستگاه



در امتداد تاریکی

زن غریبه در پاتوق دزدان!

من دزد نیستم اما به خاطر گرفتار شدن در چنگ مواد افیونی، روزگار تلخی را سپری می کنم چرا که دیگر زندگی ام متلاشی شده است و چیزی برای از دست دادن ندارم. من در جست و جوی پسرم به مشهد آمدم و گرفتار ماجرابی شدم که در نهایت از پاتوق معتادان و سارقان سرور آوردم... به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۲۷ ساله ای است که در عملیات ضربتی افسران دایره تجسس کلانتری شهید نواب صفوی برای مبارزه با سرقت های خرد در پاتوق دزدان دستگیر شده است.

این زن جوان با بیان این که سرنوشت شومی دارد درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری گفت: در یکی از شهرهای خراسان رضوی متولد شدم و تا مقطع ابتدایی تحصیل کردم. پدرم کارگری ساده بود و به زحمت مخارج من و ۳ خواهر دیگرم را می پرداخت. با وجود این، خواهرانم که بزرگ تر از من بودند از دواج کردند و زندگی آرام و شیرینی دارند. من هم در ۱۵ سالگی پای سفره عقد نشستم و با پسردایی ام دواج کردم. «جمال» پسر خوبی بود و من او را همان دوران کودکی می شناختم. به همین خاطر هم اختلافات کمتری باهم داشتیم. خلاصه یک سال بعد صاحب پسری زیبا شدم که نامش را «اردشیر» گذاشتیم اما سرنوشت شوم من از آن جارقم خورد که روزی به منزل یکی از بستگان نزدیک شوهرم رفتم و از پدر دزدشید ابر از ناراحتی کردم. «صدف خانم» هم مرا تشویق کرد تا از دارویی استفاده کنم که مقدار اندکی از آن را درون آب حل کرده بود. طولی نکشید که احساس کردم خواب آلوده شده ام و از درپایم خبری نیست. به همین خاطر روز بعد هم به سراغ «صدف خانم» رفتم تا از همان دارو مقدار دیگری به من بدهد ولی او با بیان این که قیمت این دارو گران است از من تقاضای پول کرد. به ناچار پول دارو را پرداختم ولی خیلی زود فهمیدم که به مصرف مواد مخدر آلوده شده ام. همسرم در ابتدا هزینه های اعتمادم را می پرداخت ولی متوثر در حالی خسته شدم که من برای آرامش بیشتر نه تنها مقدار مصرف را بالا بردم بلکه به استعمال کریستال آلوده شدم. از آن روز به بعد «جمال» خیلی سعی کرد تا مرا از مسیری که به مراداب هولناک می رسید نجات دهد اما همه تلاش هایش برای ترک اعتیاد بی فایده بود.

به همین دلیل او دیگر پولی برای خرید مواد مخدر نمی پرداخت و من در شرایط سختی به سر می بردم تا جایی که مجبور بودم از پدرم و اطرافیانم پول قرض کنم در حالی که می دانستم هیچ گاه نمی توانم این پول ها را برگردانم. بالاخره ۷ سال قبل پدرم نیز به خاطر ابتلا به بیماری سرطان از دنیا رفت و من دیگر تنها پشتیبانم را از دست دادم. چند ماه بعد هم «جمال» مرا به اجبار طلاق داد و به همراه پسرم از تربت حیدریه به مشهد مهاجرت کرد. در این شرایط به خانه پدرم بازگشتم و با مادر پیرم زندگی می کردم ولی هنوز هم اطرافیانم به من پول می دادند تا این که مادرم را هم به خاطر ابتلا به کرونا از دست دادم و خواهرانم منزل اریه ای را فروختند. من هم با سهم اندکی که نصیبم شده بوده روستا رفتم و به زندگی در خانه خواهر بزرگترم ادامه دادم. شوهر خواهرم زمین های کشاورزی داشت و من در امور خانه ی کشاورزی به آن ها کمک می کردم تا هزینه های اعتمادم را تامین کنم. خلاصه روزگارم این گونه سپری می شد تا این که چند روز قبل به یاد پسرم افتادم و عاطفه مادری در وجودم لبریز شد. به همین دلیل شبانه راهی مشهد شدم تا به دیدار پسرم بروم اما وقتی در مشهد منتظر تاسکی ایستاده بودم ناگهان موتو ساری از راه رسید و کیفرم را از روی شانه ام سرقت کرد. در تاریکی شب و در حالی که باران تندی می بارید زیر درختی نشستم و به سرنوشت شوم خودم می اندیشیدم که ناگهان مرد جوانی مرا دید و زمانی که متوجه شد پول هایم به سرقت رفته است، مرا به خانه خودش دعوت کرد. من هم که به دنبال چنین فرصتی بودم بی درنگ با او همراه شدم ولی او مرا به خانه ای مجردی آورد که چند جوان دیگر هم در آن مشغول استعمال مواد مخدر بودند. در همین حال من که از شدت خماری پلک هایم را نمی توانستم بالا نگه دارم، بلافاصله به جمع آن ها پیوستم و از مواد مخدر صنعتی آن ها استفاده کردم ولی روز بعد ماموران انتظامی که آن خانه مجردی را زیر نظر داشتند، ناگهان وارد منزل شدند و مرا هم به همراه خلافکاران دیگر دستگیر کردند ولی ای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ علی ابراهیمیان (رئیس کلانتری شهید نواب صفوی) بررسی های تخصصی افسران تجسس برای کشف سرقت های اعضای این باند آغاز شده است.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

سرقت پر اید مرهمان از منزل میزبان!

گذاشتند. هنوز نیم ساعت بیشتر از این ماجرا نگذشته بود که ناگهان پر اید سفید سرتنی وارد کمین نیروهای انتظامی شد و افسران کارآزموده پلیس در اقدامی غافلگیرانه، راننده ۳۸ ساله آن را به دام انداختند. «احمد-د» (متهم) که به مواد مخدر اعتیاد داشت ضمن اعتراف به سرقت خودرو گفت: ضبط و پخش کشف شده را نیز شب گذشته از محدوده بولوار اپتارگران سرقت کردم... بررسی های بیشتر در باره سرقت های احتمالی دیگر این سارق جوان ادامه دارد.

با تایید حکم قصاص نفس در دیوان عالی کشور مشخص شد

اختصاصی خراسان

بیرون آمد و با اخم به من گفت: با چه کسی کار داری؟ گفتم: من از بستگان «حسین» هستم و این جا آمده است؟ «گدا» در پاسخ گفت: یک بار ظهر آمدم و تریاک گرفت و یک بار هم نیم ساعت قبل این جا آمدم و بعد از خرید تریاک رفتم! بنا بر گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، در حالی که «ساقی محل» فروش مواد مخدر به مرد معتاد را تایید می کرد و او را از مشتریان خود می دانست اما باز هم بر طبل انکار می کوبید و همچنان به تناقض گویی های خود با جملاتی مانند «کی گفته؟» ادامه می داد تا این که همه ماجرا را در آخرین دفاعیات خود منکر شد. اما قضات شعبه ششم دادگاه که با طمانینه و آرامش به اظهارات متهمان گوش می دادند در نهایت پس از مشورت های قضایی رای، خود را در این باره صادر کردند. در این رای که به امضای قاضی هادی دنیا دیده (رئیس شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی) رسیده، آمده است به نظر دادگاه «حسین-س» (مقتول) برای خرید مواد مخدر به متهم (ع-ز) «مرآجه کرده که از مشتریان همیشگی اوست ولی پولی به همراه نداشت. به همین خاطر و تحت تاثیر مواد مخدر برای متهم ایجاد مزاحمت کرده است تا جایی که متهم برای راهیابی از مزاحمت های وی، به قصد تنبیه او، نه به قصد قتل، با چوب به سروی زده است و پس از مشاهده وخامت حال مرد مجروح و برای آن که این موضوع دامنگیر وی نشود، او را با خودرو به در منزل یکی از بستگانش انتقال داده است تا آن ها او را به بیمارستان برسانند و ...

بر اساس گزارش روزنامه خراسان، در ادامه این رای قاطع که به استدلال های دقیق و موشکافانه حقوقی و قضایی گرهِ خورده به ضربه نوعاً مستشاره و تأکید شده است، «از آن جا که متهم قصد قتل نداشته اما ضربه با چوب به سر نوعاً کشنده تلقی می شود؛ بنابراین اتهام قتل عمدی وی منطبق بر موازین قانونی است...» به همین دلیل قضات دادگاه، «ع-ز» (متهم) را به قصاص نفس محکوم کردند و رای به تبرئه فرزندش دادند چرا که دلایل کافی مبنی بر مشارکت وی در جنایت وجود نداشت.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است: با اعتراض متهم و کلای مدافع به رای مذکور، این پرونده به شعبه چهارم دیوان عالی کشور ارسال شد و توسط قضات سپید موی زیر رهبرین قضاوت قرار گرفت اما آن ها نیز با مطالعه دقیق محتویات پرونده به استدلال های موشکافانه شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی مهر تایید زدند و بدین ترتیب متهم در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت.

بازدید رئیس دادگستری شهرستان بم از پارکینگ شرکت خودرو سازی مدیران خودرو



توکلی - رئیس دادگستری شهرستان بم در پی بازدیدگی های

اخیر و آب گرفتگی پارکینگ شرکت خودرو سازی مدیران -

خودرو از پارکینگ این شرکت بازدید کرد. اعضای ساردو در

جریان این بازدید بیان کرد: بخشی از خودرو سازی که دچار آب

گرفتگی شده مربوط به قسمت قطعه و بدنه سازی شرکت است.

وی افزود: طبق اعلام مدیران شرکت بدنه خودروهایی که در

گل ولای گیر کرده اند، بدنه خودرو هستند که فقط آستر خورده اند

که پس از شست و شو و تمیز شدن، رنگ کاری و در نهایت نصب

می شوند که دستور داده شد نظارت بر اجرای استانداردهای

لازم در باره قطعات این شرکت اعمال شود. به دنبال بازدیدگی های

اخیر در کشور، برخی از استان ها از جمله کرمان در گیر سیل و آب گرفتگی شدند. بعد از وقوع سیل در استان کرمان، ویدئویی

در فضای مجازی منتشر شد که نشان می دهد پارکینگ شرکت خودرو سازی مدیران خودرو دچار آب گرفتگی شده است.

خبرنامه

زودتر با خبر شوید ...

www.mozayedemonaghese.com

واحد پشتیبانی و سایت ۰۲۱-۴۹۱۰۵۴۲۵



آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای خرید ساندویچ پنل سقفی

به شماره مناقصه ۰۰۰۰۰۰۹۱۱۵۸۰۲۰۰۳

سازمان همیاری شهر داریهای خراسان رضوی در نظر دارد با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس **setadiran.ir**، نسبت به برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای خرید ساندویچ پنل سقفی مطابق جزئیات مندرج در اسناد وطنی شماره مناقصه سیستمی ۰۰۰۰۰۰۹۱۱۵۸۰۲۰۰۳ اقدام نماید.

تاریخ انتشار در سایت:	تاریخ: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳	ساعت: ۸:۰۰
مهلت دریافت اسناد:	تاریخ: ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳	ساعت: ۱۴:۰۰
مهلت ارائه پیشنهاد:	تاریخ: ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳	ساعت: ۱۴:۰۰
زمان بازگشایی:	تاریخ: ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳	ساعت: ۹:۰۰
برگزاری مناقصه صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت و کلیه مراحل فرآیند مناقصه شامل دریافت اسناد (در صورت وجود هزینه مربوطه)، پرداخت تضمین شرکت در مناقصه، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از برنده بودن مناقصه گران محترم از این طریق امکان پذیر می باشد.		